

طبقه‌بندی نامها در خاندانهای یزد
(مطالعه مقدماتی)

I. Afshar

A Survey of the Family Names in the People from Yazd

The families living in Yazd, historically originate from different groups of people; namely zoroasterians, Sadats (the descendents of the holy prophet Mohammad, P.B.U.H.), kinsflok, doctors, tribal chiefs, and the emigrants coming from other cities. They generally form the composition of Yazd population, living indistinctively and peacefully. These groups of people have been intermixing for years and have given rise to new families having new identities. At the present time, they can be divided into nine groups, many of whom have initiated public endowments, public facilities, and industrial establishments. To study issues such as public facilities and services, industrial establishments, and public endowments in Yazd, it is therefore needed to take into account the family background and their genealogy first.

خلاصه

خاندان‌هایی که در شهر یزد زندگی می‌کنند از نظر منشاء تاریخی به شش گروه تعلق دارند که عبارتند از: زردشتیان، سادات، طوایف و عشایر، طبیبان، خوانین و مهاجرین شهرهای دیگر.

این شش گروه ترکیب جمعیتی شهر یزد را تشکیل می‌دهند که بدون هیچ تمایزی در میان یکدیگر زندگی می‌کنند. بطوری که اختلاط مداوم این گروهها منجر به پیدایش خاندانهایی با نامهای دیگری شده است. این خاندانها را می‌توان بر اساس نام خانوادگی به ۹ گروه تقسیم کرد. بسیاری از خاندانهای شهر یزد منشاء اهدای موقوفات، ایجاد تأسیسات عمومی، واحدهای تولیدی و ... بوده‌اند. بنابراین پیش از بررسی موضوعات مربوط به تأسیسات عمومی و تولیدی، موقوفات و ... لازم است که خاندانهای شهر یزد را بشناسیم و درباره نام و نسب آنها تأملی داشته باشیم.

دانستن اینکه چه خاندانهایی در یزد موجبات گسترش اقتصادی و تحولات فرهنگی شده و منشأ ایجاد قنوات و ابواب‌البر و تأسیسات عمومی و بالاخره کارخانه‌ها و کارگاههای مهم بوده‌اند از وسایل راه‌یابی به نحوه تأثیر فرهنگی و مدنی آنهاست. در این مطالعه اجمالی اساس کار مبتنی بر اطلاعات شفاهی و افواهی و دفتر راهنمای تلفن شهری بوده است. بنده تصور می‌کنم که برای دیگر شهرهای ایران هم ضرورت دارد که تحلیلی در نامهای خانوادگی و تعیین تیره‌های خاندانی انجام شود.

الف - تقسیم‌بندی تاریخی

نخستین گروه‌بندی طبقاتی باید متوجه قدمت خانواده‌ها باشد و بدانیم که هر یک از چه روزگاری در شهر یزد اقامت داشته‌اند و زاد و ولد کرده‌اند.

۱- طبعاً قدیمی‌ترین خانواده‌ها گروه‌های رزدشتی که در دین خود باقی مانده‌اند خانواده‌های کیامنش، کیخسروی، کشاورز و ... از زمره کسانی‌اند که نسب سه، چهار یا پنج پشت خود را به یاد دارند^۱.

۲- سادات مانند خانواده‌های عریضی، طباطبایی و یا سیدشمس‌الدینی و سید

۱- در کتاب «فرزانگان زردتشتی». تألیف رشید شهمردان (تهران، ۱۳۳۰ بزرگ‌دردی)، نام عده‌ای از زرتشتیان یزد آمده است.

رکن‌الدینی. خانواده‌های منتسب به سید رکن‌الدین طبعاً هفتصد سال است در یزد اقامت داشته‌اند. سید رکن‌الدین و فرزندش سید شمس‌الدین منشأ کارهای خیر بسیار بوده‌اند^۲ و وقفنامه آنها به نام جامع‌الخیرات دو بار چاپ شده است و به ترجمه فارسی هم درآمده است.^۳

۳- طوایف و تیره‌های قومی و عشیرتی مانند افشار، عرب، گرجی. سابقه وجود عشایر در اطراف یزد و مخصوصاً در منطقه بیابانک و ساغند و بهاباد به عصر ایلخانان می‌رسد، زیرا در وقفنامه ربع رشیدی از دو برادر نام رفته است که هم خودشان و هم اجدادشان کنیه «ابوالعشایر» داشته‌اند و در مهرجرد صاحب املاک و باغات بوده‌اند.^۴

۴- طیبیان مانند خاندانهایی که از روزگار صفوی در یزد بوده‌اند و نام جد اعلایشان حکیم عبدالله در جامع مفیدی آمده است. خانواده کنونی ملکی از آن تیره‌اند و عده‌ای از افراد آنان در رشته طبابت بوده‌اند.^۵

۵- خوانین که بازماندگان محمدتقی خان بافقی‌اند و خانواده‌های متعددی در این سلسله مانند کامران، عسکری کامران و نواب‌پور و معزالدینی اکنون وجود دارند.^۶

۶- مهاجرین ولایات دیگر که اغلب برای تجارت و کسب به یزد می‌آمده‌اند و خانواده‌هایی هستند که سابقه بودن آنها در یزد به اوایل عصر ناصری می‌رسد دلالت عمده بر آن، این است که خانه‌های قدیمی تاریخ‌دار که یادگاری از آنهاست هنوز در شهر یزد باقی است

۲- نگاه کنید به مقاله ژان اوین.

Le patronage culturel en Iran sous les Ilkhans une grande famille de yazd. *Le Monde Iranien et l'Islam* Tome III, 1973, pp. 107-118.

ترجمه فارسی این پژوهش به قلم ع. روحبخشان در «یزدنامه» گردآوری ایرج افشار چاپ شده است. تهران، ۱۳۷۱.

۳- محمدتقی دانش‌پژوه، ایرج افشار، تهران، ۱۳۴۱ و سپس در کتاب یادگارهای یزد (تهران، ۱۳۵۴) - ترجمه فارسی آن توسط جعفر غضبان به انجام رسیده و در یزد چاپ شده است، یزد، ۱۳۶۵.

۴- کنیه، لقب. نسبت عشایر و ذکر آنها در متون فارسی نوشته ایرج افشار. مندرج در «ایلات و عشایر» (کتاب آگاه)، صفحات ۲۴۵-۲۴۱، تهران، ۱۳۶۳.

۵- جامع مفیدی، از محمد مفید مستوفی بافقی، تصحیح ایرج افشار، تهران، ۱۳۴۰، جلد سوم، صص ۴۱۰-۴۱۳.

۶- جامع جعفری تألیف محمد جعفر نائینی متخلص به طرب، تصحیح ایرج افشار، تهران، ۱۳۵۳.

مانند رشتی، لاری، بمی، شیرازی، کرمانی، اصفهانی، کوراغلی^۷ و...

ب - تقسیم‌بندی نامهای خانوادگی

این تقسیم‌بندی براساس نامگذاری خانوادگی است که از سال ۱۲۹۸ شمسی در ایران مرسوم شده است. معمولاً خانواده‌ها با توجه به پیشینه کسب و کار؛ نسبت و نسب، محل تولد، زندگی و... نامهایی را اختیار کرده‌اند و آنها را به این ترتیب می‌توان شناساند:

۱- نامهایی که جنبه سیادت دارد مانند طباطبایی، موسوی، عریضی، حسینی، حسنی، علوی، جلیلی (منسوب به سید جلیل و ...)

۲- نامهایی که جنبه روحانی و سابقه خدمات و تعلقات مذهبی دارد مانند آیه‌اللهی، علومی، مدرسی، اثنی عشری، حائری، امامیان، امامزاده، انتظاری، حایری‌زاده...

۳- نامهایی که برگرفته از نام اجداد و اسلاف است مانند طاهری (پاشنه‌طلا)، رسولیان (یا عبدالرسولی)، شفیع‌پور، حافظی (از حافظ‌الصحه)، مؤید (از مؤیدالحکماء)، حفیظی، مشیری (از مشیرالممالک)، ملک (از ملک‌التجار)، صحت (از صحت‌السلطنه)...

۴- نامهایی که منسوب به محلات قدیمی شهر یزد یا آبادیهای آنجاست مانند شازده فاضلی، وقت و ساعتی، لب خندقی، مالمیری، گازرگاهی، کوچه بیوکی، مصلائی، تفتی، هدشی (نام قدیم آبادی ده بالا)، زارع بیدکی، میبیدی، اردکانی، گردفرامرزی، زارچی، مجومردی، فیروزآبادی، ندوشنی، بنادکی، دهشیری و مروستی، نیری، مُنگابادی، طزرجانی، مَنشادی، طامهری، بنادکی و...

۷- درباره خانواده کوراغلی باید توجه داشت که از قزوین به یزد آمده‌اند و جد اعلای آنان به نام حاجی خلیل خان در سال ۱۲۱۵ به دستور فتحعلی‌شاه سمت سفارت یافت و همراه مالکلم به هندوستان اعزام شد. ولی در سال ۱۲۱۹ در آنجا بر اثر منازعاتی که میان قزولان هندی و ملازمان ایرانی او درگرفت کشته شد و محمد نبی خان خواهرزاده‌اش به جای او مقام سفارت یافت و مبالغی خونیها از جانب دولت هند به پسرش محمد اسماعیل خان داده شد. اولاد او بعدها در بمبئی و یزد تجارت می‌کردند و هنوز هم هستند (تاریخ منتظم ناصری. چاپ محمد اسمعیل رضوانی. جلد سوم، صفحات ۴۵۸ و ۱۲۷۰ (تهران، ۱۳۶۷). تفصیل این قضیه در تواریخ عصر قاجاری مندرج است. اتفاقاً اسنادی که مربوط به پرداخت مبالغ مربوط به خونیها و نگاهبانی قبر میرزا خلیل در عهده مانکجی لیمجی صاحب صادر شده در اختیار آقای اکبر بهروز از منسوبین آنهاست و در یزدنامه (جلد دوم) چاپ شده است.

۵- نامهایی که دلالت بر تیره و طایفه و عشیره‌ای دارد مانند پلنگ، خواجه، افشار^۸، عرب، سالاری، عرب عجم، لوک‌زاده، کاشول‌خانی، پاپلی، گل‌مشکی، کلاتری، گرجی و ... البته غالباً حسب و نسب و سبب تسمیه خانوادگی خود را نمی‌دانند. ولی نوع کلمات طبعاً قرینه‌ای است بر این موضوع.

۶- نامهایی که گویای پیشینه اجدادی و خاندانی آنهاست. چون این نامها نشان‌دهنده حرفه‌هایی است که نوع صفت و پیشه‌های سنتی را نشان می‌دهد فهرستی از اسم آنها که از دفتر راهنمای تلفن یزد استخراج شد در اینجا آورده می‌شود.

آنتیک‌چی - آهن‌چی - آهنگر - ابریشمی - باروت‌کوب - بلورچی - بندساعتی - پالوده‌پز - پرده‌باف - پورمازار - پوست‌فروش - پوش‌دوز - ترمه‌باف - تریاک‌چی - جمّال (شتردار) - جواهرچی - جوکار - چاووشی - چای‌فروش - چتردوز - چراغی - چرخکار - چیتی - حبوباتی - حدادزاده - حریرفروش - حکاک‌زاده - خارکن - خبّاز - خستمال - خلیفه - دهقان - رُناسی - ریسمانی - زارع - سمسار - سیاف - شاطر - شالچی - شعرباف - شکرریز - شمع‌ریز - صراف - صراف‌زاده - صفار - صوفی‌باف - طاقه‌باف - طال‌ساز - عطار - علاقه‌بند - فرشی - قدکی - قناد - قنویزی - قندریز - کاغذگران - کرباسی - کشمیرشکن - کلاهدوز - گلابگیر - گیوه‌چی - مازار - مسگر - مشکی‌باف - معمارزاده - نخ‌کش - نخود‌بریز - نشاسته‌گر - نیلچی. امیدوارم توصیف این پیشه‌ها را جداگانه تهیه و تقدیم کنم.

۷- نامهایی که منسوب به شهرهای دیگر ایران است خواه مردمی که اجدادشان از آن شهرها به یزد آمده‌اند مانند لاریها، عربها، رشتیها، اصفهانی، کرمانی، هراتی، شیرازی و خواه کسانی که به مناسبت تجارت با شهرهای دیگر نام آن شهر را بر خود گذارده‌اند مانند همدانی و

۸- در مورد خانواده افشار مفیم یزد که نویسنده از آنهاست باید توجه داشت که در عصر صفوی عده‌ای از افشارهایی که در امور حکومتی بوده‌اند در یزد اقامت داشته‌اند. اما در مورد خانواده خودم طبق شجره‌نامه‌ای که پشت قرآن خانوادگی مندرج است از عهد فتحعلیشاه شناخته شده‌اند. کربلایی عاشور پدر حاج احمد افشار بود و این اخیر چندین پسر داشت. محمدباقر در شانگهای تجارت می‌کرد و محمدتقی در بمبئی و میرزا حسن در مشهد و محمدصادق و محمد جواد در یزد و بعضی در سبزوار و کرمان.

طبسی و خراسانی که همه یزدی‌اند.

- ۸- نامهایی که جنبه فرهنگی دارد، مانند افصح‌زاده، شکوهی، آیتی، فرساد، لغوی، قلمسیاه.
- ۹- نامهای زرتشتیان که اغلب کلمات فارسی و نامهای اساطیری و حماسی و تاریخی پیش از اسلام است مانند بامسی، بهرامی، بهمردی، پشوتن، تیرانداز، جمشیدیان، خسروی، ده موبد، دینباری، رستمی، سروشیان، شهزادی، کیامنش، کیخسروی، ماندگاری. در نام آنان نسبت به افلاطون و ارسطو هم دیده می‌شود.

ج - تقسیم‌بندی طبقاتی

مراد تقسیم‌بندی براساس طبقات اجتماعی است:

- ۱- اعیان به معنی متشخصین و معاریف شهر نه به معنای متمولین، البته ممکن است متمول نبوده ولی از اعیان در شمار بوده‌اند، تیره‌های خوانین و نوابها را از این زمره می‌توان دانست.
- ۲- بازرگانان، ملک (منسویین ملک‌التجار)، معین (منسویین معین‌التجار)، افشار، عرب (فاتح)، لاری، فرهنگی، غضنفر، رسولیان، روهنی، زرکش، صراف‌زاده، کوراغلی، طاهری.
- ۳- ملاکین: اکرمی.
- ۴- علما و مدرسین: مدرسی، علومی، حائری، سعیدی، حائری‌زاده، مجدالفضلا.
- ۵- شعرا و فرهنگیان: آیتی، شکوهی، افصح‌زاده، ناصر، مشکیان.
- ۶- پزشکان: امین‌الاطباء، مسیح‌الممالک، سلطان‌الحکماء، حافظ‌الصحه، فیلسوف السلطنه، صحت‌السلطنه، شفاءالدوله.
- ۷- اصناف: قناد، خلیفه، مازار، شعریاف و...
- ۸- اجزاء حکومتی - در یزد معمولاً از خود یزدیها کمتر در امور دیوانی وارد می‌شدند. فرد شاخص میرزا فتح‌الله مشیرالممالک بود. بعدها که دوایر دولتی تأسیس شد البته افراد یزدی مشاغلی اختیار کرده‌اند.
- ۹- کارخانه‌داران: هراتی، افشار، صراف‌زاده، بشارت.

در اینجا، توضیحی ضروری است که و آن اینکه در یزد تجارت و ملک‌داری تقریباً توأمان بود. کسانی که مایه‌ای از راه کسب و کار به دست می‌آوردند آن را در زراعت و ایجاد آبادی و ملک‌داری مصروف می‌کردند. به اعتقاد یزدیها زمین «میخ طلا» بود. لذا تهیه باغ در دوره شهر و حیازت مباحات در بیابان و ایجاد مزارع در مناطق کویری و کوهستانی که همه مستلزم حفر قنوات بود از زمره سنت آن خطه شمرده می‌شود همیشه زارعان یزدی و مقتیان آنجا شهرت داشتند و به شهرهای دیگر برده می‌شدند. از جمله رشیدالدین فضل‌الله همدانی وزیر دوره غازان‌خان و اولجایتو برای آبادانی مزارع ربیع رشیدی در تبریز چند نفر «گاو بنده» یزدی را به تبریز برده بود^۹. طبقه ملاک که کارش منحصر به زمینداری باشد همیشه در یزد محدود بوده است. از راه ملک‌داری زندگی دشوار بوده است.

د - تقسیم‌بندی مهاجرتی

درباره یزدیهایی که از شهر یزد به ممالک دیگر یا به شهرهای ایران هجرت کرده‌اند نیز باید قائل به تقسیم‌بندی شد. البته می‌دانیم به جز زرتشتیان که به هندوستان هجرت کرده‌اند، در دوره صفویه بسیاری از یزدیها به آن سرزمین رفته بودند و در مناصب دولتی و یا کارهای کسبی مشغول بوده‌اند.

۱- در عصر قاجار یزدیها بیشتر برای تجارت و یا کسبهای کوچک به شهرهای مختلف هند از جمله بمبئی و کلکته و حیدرآباد و مدرس می‌رفتند^{۱۰}. همچنین عده‌ای به مصر رفته بودند. از جمله خانواده خان خلیلی معروف به مصری است یکی از برادرها پس از سالیان دراز از قاهره به تهران بازگشت و در تهران به تجارت پرداخت^{۱۱}. یزدیها به شانگهای و بعضی از شهرهای دیگر چین هم می‌رفته‌اند. عشق‌آباد هم از جمله شهرهایی بود که در قرن گذشته عده‌ای یزدی به آنجا رفته‌اند.

۹- تاریخ اولجایتو. از ابوالقاسم کاشانی. تصحیح مهین همبلی، تهران ۱۳۴۸، ص ۱۱۶.

۱۰- عکسی از گروه تجار یزدی متبیم مصر در صفحه ۳۲۸، سال اول (۱۳۰۴) مجله آینده به چاپ رسیده است. اخبار و اطلاعات مربوط به آنها در دوره مجله چهره‌نما چاپ قاهره نیز مندرج است.

۱۱- برای اطلاع بر اقدامات آنها و انجمن تجار آنجا به دوره روزنامه جبل‌المتین چاپ کلکته و مجله ایران لیگ چاپ بمبئی باید مراجعه کرد.

۲- مهاجرت به شهرهای دیگر به منظور تجارت مرسوم بود. از جمله به رشت، بندرعباس و بوشهر که از شهرهای تجاری و حمل و نقل کالا به هند و اروپا بود. در رشت مرد شاخصی مثل وکیلالتجار تجارت می کرد که از آبادی محمدآباد یزد به آنجا رفته بود و به علت حسن شهرت و آزادیخواهی در دوره اول مجلس به وکالت از گیلان انتخاب شد. او پدر دکتر فریدون کشاورز از رهبران حزب توده و کریم کشاورز (نویسنده و مترجم) بود.

۳- مهاجرت به شهرهای دیگر به منظور معماری و ساختمان سازی و زراعت، قنات کشی مخصوصاً به صفحات بلوچستان، خراسان، و اجرای امور نانوایی به شهرهای خوزستان و بلاد عربی و قنادی به اغلب شهرهای مرکز از خصوصیات شصت هفتاد سال اخیر است.

۵- خدمات و خیرات خاندانها

خاندانها و گروههایی را که منشأ خدمات و خیرات در یزد بوده اند در این تقسیم بندیها می توان شناساند:

۱- تجارت داخلی و خارجی - سابقه تجارت یزد قاعدهٔ درازست. زیرا شهری است در مرکز ایران. نزدیکترین راه مشرق و شمال شرقی (خراسان و غیره) به جنوب ایران و بنادر خلیج فارس از این شهر می گذرد. در تاریخ یزد و تاریخ جدید یزد ذکر شده است که ابریشم از استرآباد به یزد آورده می شد.

۲- ملکداری و باغداری (زراعت): اغلب تجار و متمولین ثروت خود را به ملک تبدیل می کرده اند. باغداری در اطراف شهر و کوهستانها برای تفریح و تفریح مرسوم بود. ولی در آبادیهای ناحیه رستاق و با اندرون و نوقات و حوالی اردکان و میبد و عقدا معمولاً به قصد زراعت بوده است.

۳- صنعت و حرف: آنچه مهمتر از همه بود شعربافی (پارچه بافی) ابریشمی و نخی و کتانی است. رنگریزی، زرگری، مسگری، کارهای آهنگری (مانند زنجیرسازی و طال سازی) و صندوق سازی (مجری و هزارپیشه) نیز شهرت داشته است. سفال پزی و زیلوبافی میبد معروف بود. کارهای حصیری از الیاف و برگ خرما در بافق انجام می شد. حناسابی (مازازی) از صنایع

اختصاصی یزد بود. حنا از بم و سایر نقاط کرمان و مکران به یزد می‌آید و صادر می‌شود. قنادی و نبات‌ریزی یزد همیشه شهرت داشته است. معماران و مقنیان یزد از صاحبان حرفه‌ای بودند که در بسیاری از نقاط ایران آثار شاخص از خویش به جای گذاشته‌اند.

در پنجاه سال اخیر ایجاد کارخانجات صنعتی بسیار رایج شد و اکنون شهر یزد یکی از مراکز مهم کارخانجات است و مهاجر از هر نقطه‌ای دارد، بحث از آن مقاله‌ای دیگر لازم دارد.

۴- ساختمانهای عمومی و موقوفات: آنها که جنبه فرهنگی دارد: مدرسه (مانند مشیریه ساخته فتح‌الله مشیرالممالک - مدرسه شاهزاده - مدرسه خان - کیخسروی (ساخته زرتشتیان) - کتابخانه (در مسجد جامع، وفقی سیدعلی محمد وزیر که بنایش ساخته محمد هراتی است - کتابخانه امامزاده جعفر ساخته عطاءالله افشار).

- آنها که جنبه دینی دارد: مسجد - حسینیه - سقاخانه - خانقاه - بقاع و مزارات (تعداد آنها بسیار است و در یادگارهای یزد همه آنها احصاء شده است).

- آنها که جنبه مدنی دارد: برج - کاروانسرا - آب‌انبار - قنات - مزرعه - آسیاب - حمام - بازار - بازارچه (تعداد آنها بسیار است و در یادگارهای یزد احصاء شده است).

- آنها که جنبه درمانی دارد (دارالشفای در عصر ایلخانان - مریضخانه مرسلین انگلیسها در دوره قاجار - بیمارستانهای جدیدالتأسیس اشخاص خیر مانند بیمارستانهای دکتر مجیبیان، دکتر مرتاضی، گودرز، محمد صادق افشار).

و - خاندانها و حکومت

آخرین نکته‌ای که ضرورت دارد مورد اشاره قرار گیرد این است که اگرچه یزدیها در قرون پیشین در دستگاههای حکومتی به عنوان مورخ و منجم و وزیر می‌بوده‌اند ولی از دوره ناصرالدین شاه است که بیشتر به سوی تهران آمده و به کارهای دولتی و خدمات عمومی مملکتی داخل شده‌اند.

۱- کارمندی در وزارتخانه‌ها، بیشتر در معارف و عدلیه و مالیه و بهداری؛

۲- وکالت مجلس؛ ۳- تدریس در دانشگاهها؛ ۴- روزنامه‌نگاری و سیاست؛

ز - فهرستی از خانواده‌های مهمتر

آثاری زاده - آزما - آسایی - آقا - آگاه - آیه‌اللہی - احمدیہ - ادیب رضوی - اصفهانی (از اصفهان) - افشار - افصح - اکرمی (سید) - امین - برخوردار - برکت - بزرگپور - بشارت (دو خانواده) - بقائی - بمی - بهروز (کرباسی) - پاپلی - پوست فروش (از خراسان) - پهلوان - پهلوانپور - پهلوان زاده - تقوی - توکلی - جلالیان - جلیلی (دو خانواده) - جلیلیان - حاتمی - حائری (اردکانی) - حائری یزدی - حاجی میراب - حافظی - حفیظی - حکیم زاده - خان بهادر (معین) - خان ملک - خجسته - خراسانی - خردمند - خوانین - راجی - رستگار - رسولیان (حاجی عبدالرسول) - رشتی - رضوی - رکن‌الدینی - روهنی - ریاضی - ریسمانی - زرکش - سعیدا - سعیدی - سعیدی فیروزآبادی - سیحون - شعراف - شفیع پور - شکوهی - شمس‌الدین - شیرازی (ملک) - عسکری و ... - شیرازی (تقوی و غیره) - صحت - صدارت - صدرالفضلائی - صدر - صدری - صدریه - صراف، صراف زاده - صنعتی - ضیایی - طاهری (پاشنه‌طلا از احفاد پیرجمال اردستانی) - طباطبایی - طبسی - عبدالرسولی (رسولیان) - عرب (از بحرین) - عسکری (شیرازی) - عسکری کامران - علاقه‌بند - علائی - علائی اردکانی - علوم (دو خانواده) - علوی - غضنفر - فاتح - فاضلی - فرساد - فرهنگ - فرهنگی - فیروزآبادی - فیلسوفی - قریشی - کامران - کرباسی - کرمانی (علی) - کسمایی - کلاهدوزها - کوچک پور - کوراغلی - گرجی - گلستان - گلشن - گندلی - لاری - مازار - مجد (مجدالفضلائی) - محبوبی اردکانی - مدرسی - مدیر (از سبزوار) - مرتاض - مرشد - مروج - مروستی، (علیم) مروستی - مسیح - مشیری - معتمد - معین (خان بهادر) - مقتدری - ملک (خان ملک) - ملکی (اطبا) - مؤید - مهدوی - میرعلائی - ناظم - ناظمی - نقیب (سید) - نواب - نوابی - نواب رضوی - نواب وکیلی - وزیر (وزیری وقت و ساعتی) - وکیلی - وکیلان - وکیل زاده - هراتی - هرندی - همدانی - یاسایی (صدرالادبا) - یزدی (شیخ حسین ندوشنی).